

مصاحبه با آقای مهران نوری حقیقی مدیر آتلیه عکاسی مهرداد

توسط دنیا مهدی زاده عضو همیار کار آفرین

از دبیرستان ایران

آتلیه عکاسی مهرداد در محله اوقاف قرار دارد . سابقه این واحد صنفی به ۲۱ سال می رسد. و مشتریان فراوانی را جذب خود کرده است. که به گفته آقای نوری حقیقی تبلیغ این واحد صنفی کار خوبشان بوده است. با صاحب امتیاز این آتلیه مصاحبه ای انجام داده ایم که صحبت های جالبی را در مورد کارآفرینی خود و اتفاقاتی که در این زمینه برایشان رخ داده است. مطرح کرده اند:

سلام ، من دنیا مهدی زاده از اعضای طرح همیار کارآفرین هستم ، طرح همیار کارآفرین مخصوص ما نوجوانان دبیرستانی برگزار شد و در این طرح ما یک دوره آموزش کارآفرینی را گذرانیدیم و در پایان دوره برای اینکه مطالب را خوب درک کنیم قرار بر این شد که هر یک با یک کارآفرین موفق مصاحبه ای داشته باشیم به همین دلیل من شما را انتخاب کردم .



در ابتدا خودتان را برایمان معرفی نمایید :

مهران نوری حقیقی هشتم متولد ۱۳۴۵ دارای دیپلم راه وساختمان

چه اتفاقی افتاد که به این شغل روی آوردید و رشته تحصیلی خودتان را ادامه ندادید ؟

در زمینه راه وساختمان کسی نبود که من را به سمت این کار هدایت کند. (بازار کار نداشت) البته به این رشته هم علاقه داشتم اما نشد. بعد از اینکه دوره سربازی را به پایان رساندم ، در سال ۶۷ توسط یکی از آشنایان به این حرفه معرفی شدم و شاگرد عکاس شدم و در سال ۶۹ اولین مغازه اجاره ای خودم را در خیابان سراج باز کردم.

چه طور شد که این شغل را ادامه دادید ؟ (علاقه خودتان یا خانواده یا اینکه)

وقتی که انسان کاری را شروع می کند ، باید به کار بچسبد و نباید مدام این کار و آن کار رو کند و تغییر شغل دهد.

آینده خوبی در این کار می دیدید ؟

نه ، اتفاقاً می دانستم که این شغل آنچنانی نیست و به قول معروف این کار، کاری نیست که انسان را یکدفعه پول دار کند. شغلهایی که کی شبه انسان را پول دار می کند ، به زمینه و سرمایه نیاز دارد که من هیچکدام را نداشتم و در همین کار ماندم تا فرجی شود و فرج هم شد.

اولین باری که خودتان کار را شروع نمودید ، کار فرمای چند نفر بودید ؟

هیچ فقط خودم بودم

و در حال حاضر چند نفر در کنارتان کار می کنند ؟

در حال حاضر ۴ نفر

تا به حال شده که شکست بخورید یا اتفاقی بیافتد که ناامید شوید ؟

اذیت شدیم اما ناامید نشدیم. شکست هم نخوردیم ، یک سری مشکلات کاری و کارگری و یا مشکلاتی با مشتریان بود و یا زمانی بود که دستگاهها خراب می شد اما تا اکنون نا امید نشدیم و و شکست هم نشدیم چون قدم هایمان را زیاد بلند برنداشتیم و ریزریز به جلو آمدیم.



تا به حال شده برایتان مشکل مالی به وجود آید ؟

بله

خوب با این مشکل چطور کنار آمدید ؟

صبر، صبر ، برای مثال من دوست دارم یک آتلیه مجزا داشته باشم. که عروس و دامادها را برای عکاسی به آنجا ببرم. اما این کار به پول احتیاج دارد و این نمی شد که من یکدفعه یک آتلیه اجاره کنم و درصد خیلی کمی هم برای من سود داشته باشد. کمی صبر میکنم و زمانی که از لحاظ مالی توانستم آنگاه یک آتلیه رهن خواهم کرد.

آیا آتلیه کنونی برای خودتان نیست ؟

بعد از ۱۳ سال اجاره دادن ، ۸ سال پیش این مکان را خریداری کردم.

برای آینده برنامه ای دارید ؟ مثلاً تا ۸ سال آینده بتوانید یک آتلیه دیگر بخرید ؟

بله ، برنامه ریزی کرده ام که تا دو سال آینده حرکتی در این زمینه انجام دهم.

بهترین خاطره ای که از این شغل دارید ؟

اولین خاطره اینکه توانستم مغازه بزنم و دوم اینکه توانستم مغازه را بخرم

و بدترین خاطره کاری تان ؟

بدترین خاطره این بود که یک فیلم عروسی را گم کردم (از من دزدیدند)

چطور با این مشکل کنار آمدید؟

خیلی سخت بود اما با مقدار زیادی پول حل شد

خانواده چه قدر در پیشرفت کار شما مؤثر بود ؟

زمانی که مجرد بودم ، پدر و مادرم خیلی کمک می کردند . پدرم با اینکه کارمند بود اما از نظر مالی به کمک می کردند. بعد از ازدواج هم همسرم حدود ۸ سال به من کمک کردند و فیلم برداری می کردند .

یعنی همسر شما همکار تان بودند ؟

بله ، هنوز هم کارهایی مانند تبدیل فیلم و..... را در منزل انجام می دهند.

خودتان موانعی در این کار نمی بینید که مسئولین بتوانند در این زمینه کمکی کنند ؟

نه به نظر من هر کس باید خودش موانعش را حل کند نه اینکه منتظر کمک دیگران باشد.

در آخر نصیحت شما برای جوانان چیست ؟

قانع باشند ، زمانی که همه جا را تیره و تار می بینند ، خدا روزنه ای را باز می کند که خودت تعجب می کنی. قبل از این که من مغازه را باز کنم ، کارگر بودم و ماهی ۴۰۰۰ تومان حقوق داشتم . بعد هم حقوقم یه ماهی ۵۰۰۰ تومان رسید و این حقوق کمی بود و بعد از دو سال با صاحب مغازه مشکل پیدا کردم و از آنجایی که کارگری می کردم ، خیلی ناراحت بودم . چون فکر می کردم که دو سال از عمرم بی خود تلف شده و حالا دوباره باید به سراغ کار دیگری بروم وکه بعد از این ماجرا روزنه ای باز شد و.....

خب چه اتفاقی افتاد ؟

یکی از دوستانم که همسایه ما هم بود ، و معلول بود زمانی که متوجه بیکاری من شد ، من برایش قضیه را تعریف کردم . آن زمان برادرم جزء مفقود الثرها بود (مهرداد که اسم آتلیه هم از اسم او نشأت گرفته) دوستم به من پیشنهاد داد که چون سرمایه ندارم می توانم از بنیاد وام بگیرم و کار را شروع کنم . اما

بنیاد هم وامی به من نداد . این جریان باعث شد که با هیچ شروع کنم و با قرض و بدهی شروع کنم
و بتوانم مغازه ای را اجاره کنم .

اولین بار چطور مشتری را جذب کردید ؟

خب مثل همه با پخش تراکت

به نظر شما بهترین تبلیغ برای کار چیست ؟

ارائه کار خوب بهترین تبلیغ می تواند باشد

اگر سئوالی باقی مانده که من از شما نپرسیده باشم چیست ؟

نه چیزی نمانده

در پایان از شما سپاسگزارم که وقت خود را در اختیار من قرار دادید و به تمام سئوالات من
پاسخ دادید . صحبت های شما بسیار برای من مفید بوده و امیدوارم در آینده نیز بتوانم از
راهنمایی های شما استفاده کنم و مانند شما یک کار آفرین موفق شوم .